

خسرو روزبه، مظهر مقاومت و پایداری خلق بر ضد خصم وطن



جاوید شد آن کُرد که جان بفر وطن بافت / پر فخر شد آن خلق که فسرو شده پورش
او راه فنا رفت به پشمان گشاده / زرد فنده به فمصم وطن و باطن کورش
(از سروده احسان طبری، در یادبود روزبه)

در تاریخ مبارزات خلق ها، قهرمانان جاویدی به عرصه می آیند که در پیکار مقدس خود برای آرمان های خلق، پیوسته به مردم تکیه دارند، قهرمانانی که در لحظات معین تاریخی از ژرفای دریای پر خروش خشم و رزم خلق ها چون صدف بیرون می افتند، و با مبارزات و مقاومت خود، و با ایثار جان، پایداری یک جنبش را تداوم می بخشند، و خود به جاودانگی می پیوندند. خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران، یکی از این قهرمانان جاوید است. رفیق خسرو روزبه دومین فرزند خانواده «ضیاء لشگر» در سال ۱۲۹۴ شمسی، در ملایر، دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۲۲

ادامه در صفحات ۳



شماره ۶۶۱، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۶ خرداد ۱۳۸۲

در ص ۳	آقای خاتمی، افسوس
در ص ۴	ایجاد اشتغال و تامین امنیت شغلی زحمتکشان چگونه و با چه برنامه یی؟
در ص ۷	قانونی شدن اشتغال عراق!
در ص ۸	«نقشه راه» صلح

دوم خرداد ۱۳۷۶، فرصت تاریخی یی که در باطلاق مماشات گری و تسلیم طلبی قربانی شد

گسست ناپذیری با بسیج نیروهای اجتماعی و انبوه توده های میلیونی به صحنه آمده دارد. بدون بسیج کارگران، زحمتکشان، جوانان و دانشجویان و زنان مبارز و بدون تشدید و گسترش مبارزه در بطن جامعه حول شعارها و برنامه سیاسی واحد نمی توان امیدوار بود که ارتجاع حاکم با تمام امکانات وسیع و سرکوبگرانه اش، تنها از سر نصحیت و «به عقل آمدن» سکان قدرت را به نفع خواست های مردمی رها کند. تجربه شش سال گذشته، و از جمله موضع گیری های اخیر کسانی همچون حجاریان، که روزی مبتکر سیاست «آرامش فعال» بود و امروز ناچار است به درک این واقعیت گردن نهد که عدم بسیج نیروهای اجتماعی از اشتباهات بزرگ بود در کنار واقعیات روز جامعه ما و بن بست سیاست مذاکره با ارتجاع حاکم همگی مویذ نظریه بالاست.

با فرا رسیدن دوم خرداد ۱۳۷۶، شش سال از فرماندوم تاریخی مردم میهن ما در نفی رژیم ولایت فقیه و برنامه پیشنهادی «نماینده اصلاح» آن برای اداره امور کشور می گذرد. شش سال پیش بیش از بیست میلیون ایرانی ناراضی از ظلم و استبداد حاکم به پای صندوق های رأی رفتند و امیدوار به آینده و تحقق تحولات به ریاست جمهوری آقای خاتمی رأی دادند. پایه های خوشبینی مردم قول هایی بود که خاتمی و یاران او در زمینه تحقق جامعه مدنی و استقرار حکومتی «مردم سالار» می دادند و معتقد بودند که می توان به چنین خواست هایی با حفظ «نظام» موجود دست یافت. حزب توده ایران از پیش از دوم خرداد ۷۶ و در تمامی این شش سال در عرصه های گوناگون، ضمن حمایت پیگیر از مبارزات جنبش مردمی برای دست یابی به حقوق پامال شده مردم، همواره بر این نظریه تأکید کرده است که با حفظ رژیم استبدادی کنونی نمی توان خواست اکثریت قاطع مردم میهن ما را در زمینه استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی تحقق بخشید. ما در تمامی این شش سال در مقابل همه نظریه پردازی های گوناگون، از جمله اتخاذ سیاست هایی همچون «آرامش فعال»، «چانه زنی در بالا» و جز این ها همواره به این اعتقاد بوده ایم که سرنوشت مبارزه در راه تحقق اصلاحات در میهن ما ارتباط

ادامه در صفحه ۶

اگر جام زهری باید نوشید!

در روزهای اخیر خبر ارسال نامه یی از سوی ۱۲۷ نفر از نمایندگان مجلس به سید علی خامنه ای، بازتاب گسترده یی در رسانه های داخلی و خارجی داشته است. نامه نمایندگان مجلس که در واقع به شکلی اتمام حجت آنان با ولی فقیه رژیم است، از سوی چماق داران مطبوعاتی رژیم تحریم خبری شد و براساس گزارش های رسیده برنامه وسیعی از سوی مرتجعان حاکم برای مقابله با این عمل نمایندگان تدارک دیده شده است. در نامه نمایندگان مجلس از جمله می خوانیم: «آنچه ما را بر آن داشت تا بدین صورت مصدع اوقات شویم حساسیت شرایط، فرصت اندک و بزرگی خطر است که پیش روی کشور است و با کمال تأسف نجوهای خیرخواهانه و پیشنهادهای آرام و مکتوم ما در سالهای گذشته ره به جایی نبرده است. پس اجازه دهید

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه اگر جام زهری باید نوشید ...

بر مبنای وظیفه شرعی و قانونی خود و تعهد و مسؤولیتی که در برابر خدا و مردم داریم، آنچه را به خیر و صلاح همه میدانیم با حضرت تعالی، که بر اساس قانون اساسی یعنی میثاق ملی همه ما شخص اول کشور هستیید در میان بگذاریم،»

نامه سپس در ادامه ضمن اشاره به تلاش های مراکز پنهانی و نیروهای ارتجاعی برای بازگرداندن اوضاع به پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶، از جمله تأکید می کند: «به قول آقای خاتمی هر ۹ روز یک بحران آفریدند. از آن جمله است قتل های زنجیره ای، جنایت کوی دانشگاه، تعطیلی مطبوعات و رسانه ها، دستگیری فعالان سیاسی، سرکوب دانشجویان و دانشگاهیان، اجرای علنی احکام قضایی بسیار کم سابقه، خنثی کردن تصمیمات مجلس و دولت و انتقال قدرت از آنها به نهادهایی مانند شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، شورای انقلاب فرهنگی و حتی برتری دادن اسانامه کمیته امداد و آئین نامه فروش وسائل اسقاطی نیروی انتظامی بر قوانین مصوب مجلس! بی اختیار و بی اراده کردن مدیران و مسؤولان اجرایی با پرونده سازی ها، مچ گیریها و تبلیغات سیاه، برخورد با نهادهای مستقل مدنی مانند احزاب، کانون و کلا، سازمان های علمی و پژوهشی و مؤسسات فرهنگی و... نتیجه خواسته و ناخواسته این همه، جز این نبود که به مردم ایران و جهان نشان داده شود در ایران هیچ تغییری اتفاق نیفتاده و نخواهد افتاد و ثابت شود رأی مردمی که خواست اصلی آنها تغییر در روشها و بینشها بوده است، هیچ اثری ندارد و اعلام گردد که نهادهای مظهر اراده ملت قدرتی ندارند و آشکار شود که نهادهایی که باید کانون حل منازعه و مظهر حاکمیت ملی و جایگاه اجماع و وحدت ملی باشند، به دست تندترین نیروهای مخالف اصلاحات سپرده میشود، تا در نهایت رأی مردم بلاموضوع گردد. با این حال و روز کشور، فرصت چندانی باقی نمانده است. غالب ملت ناراضی و ناامید، اکثریت نخبگان ساکت یا مهاجر، سرمایه های مادی گریزان و نیروهای خارجی از هر طرف کشور را احاطه کرده اند. با این وضع برای آینده کشور دو حالت پیش متصور نیست؛ یا دیکتاتوری و استبداد، که در خوشبینانه ترین حالت فرجامی جز وابستگی و در نهایت فروپاشی یا استحاله ندارد و یا بازگشت به اصول قانون اساسی و تمکین صادقانه به قواعد دموکراتیک. چنین رویکردی، هم مبتنی بر فرهنگ و ارزشهای اسلامی و ملی این ملت است و هم قابل تعامل با همه جهان. آنچه مانع عملی شدن تهدیدات خارجی می شود، نه توپ و تانک و موشک و سلاح بلکه افزایش مشروعیت نظام، وحدت ملی و یگانگی حکومت و ملت است. تنها راه برطرف کردن تهدید خارجی همان راهی است که ملت ما را در برابر رژیم دیکتاتوری شاه، متحد و بر سرنگونی آن مصمم ساخت و این تنها در صورتی میسر است که ملت مطمئن باشد خواسته و رأی او منشأ اثر و تغییر خواهد بود. وحدت ملی یعنی تمکین به رأی مردم، یعنی همه با مردم، یعنی «میزان رأی ملت» و... با این تفسیر از وحدت ملی نه تنها تهدیدهای بیگانه خنثی خواهد شد، بلکه میتوان امیدوار بود تا به فرصت نیز تبدیل شود. آنچه ما میفهمیم این است که مسئولان حاکمیت باید صادقانه از مردم در قبال همه قصورها و سوء تدبیرها پوزش بخواهند و البته این عذرخواهی شکست و عقب نشینی از مواضع اصولی نیست، بلکه نشانه فروتنی و بزرگواری است. تعظیم به مردم خود سبب جلوگیری از کرنش به بیگانگان می شود. اگر جام زهری باید نوشید قبل از آنکه کیان نظام و مهمتر از آن، استقلال و تمامیت ارضی کشور در مخاطره قرار گیرد باید نوشیده شود و بی تردید این برخورد خردمندانه و متواضعانه ...»

با توجه به واکنشی که تاکنون از سوی نیروهای ارتجاعی نسبت به این اطلاعیه نشان داده شده است از هم اکنون روشن است که سرنوشت این اظهار نظر همچون اظهار نظر های پیش از این خواهد بود. مرتجعان حاکم با علم به شرایط دهشتناک و فوق العاده بحرانی کشور مصمم اند تا انتهای راه، ولو به قیمت ویرانی کشور بر سیاست های خود پای فشارند.

خامنه ای در سخنانی که پاسخ غیر مستقیم به اوج گیری موج انتقادات در درون کشور بود، از جمله اشاره کرد که: «طراحان و برنامه ریزان اصلی در آمریکا، در این مقطع ماجراجویی را به عنوان سیاست اصلی و راهبردی خود انتخاب کرده اند و در هر نقطه ای که از پیروزی خود مطمئن باشند، دست به ماجراجویی خواهند زد. لذا تنها راه مقابله با تهدیدها این است که وضعیت داخلی به گونه ای ساماندهی شود که دشمن از پیروزی خود مطمئن نباشد و زمینه را برای ماجراجویی فراهم نیند. خامنه ای با انتقاد از کسانی که با طرح برخی مسائل در جهت تضعیف عوامل پایداری مردم و تشویق دشمن گام برمی دارند، افزود: «کسانی که مدعی بحران مشروعیت هستند باید پاسخ دهند که اگر نظام جمهوری اسلامی ایران که متکی بر آرای مردم و اعتقادات آنان است، مشروعیت ندارد پس کدامیک از نظام های کشورهای منطقه و جهان مشروعیت دارند»

ادامه آقای خاتمی افسوس!

توهم این فضای آزاد، آزاد اندیشان را امیدوار کرد برای نوشتن، برای گفتن و پرده از نقاب حقیقت برداشتن. گفتند و خیال کردند که ترسی نیست، پشتوانه اورای مردم است. قول داده است و وفا می کند. اما دریغ: دست در حلقه آن زلف دو تا نتوان کرد تکیه بر عهد تو باد صبا نتوان کرد سیلی روان شد تا در پی او بنیان پوسیده و نخ نما شده کاخ قدرت فرو ریزد، اما بی مبالائی و انعطاف بیش از اندازه اش این سیلاب را گردابی کرد و همه چیز بر سر این برخاسته فرود آمد. دستان قدرت چون این رویه دیدند، چونان آتش همه چیز را سوزاندند، زدند و بردند و کشتند تا صلابی در برابرشان به گوش نرسد. در انتقام گیری از مردان عدالت و آزادی از هیچ کوششی دریغ نکردند...»

بیانیه در جمع بندی و نتیجه گیری می نویسد: «آقای خاتمی ما نماینده نسلی هستیم که اگر از شما صداقت دید، قدرت اجرا و حکومت نیز میخواست. و فرزندان نسلی هستیم که قهرمانپرور بود و قهرمان سازولی اکنون این واقعیت را درک کرده است که قهرمان کسی جز تک تک افراد جامعه نیست و نبوده است و این ماییم که باید کاری کنیم. افسوس که سالهای زیادی را باختیم به علت اینکه در عرصه شطرنج شما را وزیر دانستیم و خود را سرباز و افسوس که سربازها همه فدا شدند و وزیر همچنان می خندد. سربازان دیروز عرصه سیاست، امروز یاد گرفته اند که وزیران لایقی می باشند و منتظر پیام حرکت از سوی شما نمی نشینند. زمان می گذرد و ما همچنان در غم سالهایی که گذشت و دوستان و اندیشمندانی که از دست داده ایم عزاداریم. امروز در سالگرد دوم خرداد و به یاد تمام رفتگان و زندانی های دربند اسارت شمعی میافروزیم و با هم در پناه نور ایزدی پیمانی دوباره برای برقراری صلح، آزادی و برابری می بندیم.»

ادامه خسرو روزبه، مظهر مقاومت و پایداری خلق ...

به عضویت در حزب توده ایران درآمد. هنوز مدت زیادی از پایان تحصیل او در دانشکده افسری نگذشته بود که روزبه برای آموزش دانشجویان به خدمت در دانشکده افسری فراخوانده شد. او چندین دوره افسر تربیت کرد. وی در همین سال ها ده ها کنفرانس علمی و نظامی در دانشکده افسری و دانشکده فنی سازمان دهی کرد که چاشنی تمامی این کنفرانس ها بحث در باره مسایل اجتماعی ایران بود. رفیق روزبه در این دوران ۱۶ جلد کتاب نظامی، فنی و ریاضی برای شاگردان خود تألیف کرد. رفیق روزبه از بنیانگذاران «تشکیلات افسران آزادی خواه ایران» شد که بسیاری از اعضای آن همکاران و شاگردانش بودند. ۴۵ سال پیش ، در روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ ، دژخیمان شاه ، رفیق خسرو روزبه این مبارز توده ای و عاشق سوسیالیسم و مظهر مقاومت و پایداری خلق های قهرمان ایران را به جوخه اعدام سپردند. پیکار دلیرانه رفیق روزبه در بیدادگاه حکومت شاهنشاهی، در دوران سیاه پس از کودتای ۲۸ مرداد و زمانی که سایه یاس و ناامیدی بر میهن ما و مبارزات مردم ما سایه افکنده بود ، جانی تازه به جنبش مردمی بخشید ، خواب خوش را بر دژخیمان پر آشوب کرد و فریاد دادخواهی مردم را از فراز مرزهای کشورمان فراتر برد. روح و جسم خسرو روزبه ، این قهرمان خلق ، رزمنده بی باک و انقلابی جسور ، سرشار از عشق به خلق و آرمان های انسانی بود . او راه بهروزی خلق را در سوسیالیسم دید و تبلور سوسیالیسم در میهن مان را در برنامه ها و آرمان های حزب توده ایران یافت . او به این راه عشق می ورزید و تا آخرین دم زندگی خود با غرور از آن دفاع کرد و دشمن را به زبونی کشاند . روزبه در دفاع از آرمان های خویش، در بیدادگاه رژیم شاه گفت : «من به اقتضای آتشی که به خاطر خدمت به خلق های ایران در درون سینه ام شعله می کشد ، راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم ، استخوانم ، خونم ، گوشتم، و پوستم و همه تاروپود وجودم این راه را راهی مقدس شناخته است و تمام سلول های بدن من و تمام ذرات وجودم توده ایست.»

روزبه یک سوسیالیست واقعی بود و در برابر دژخیمان که می خواستند با شکنجه ، و ایجاد رعب و وحشت، او را به زانو در آورند ، قهرمانانه و قاطعانه از اعتقاد عمیق اش به سوسیالیسم دفاع کرد . «اگر عاشق و شیفته سوسیالیسم هستم ، با تمام عقل وشعور و منطق و درایت خود ، برتری اصولی آن را بر سایر رژیم ها احساس کرده ام.»

بیدادگاه نظامی شاه پس از شنیدن دفاعیات خسرو روزبه حکم اعدام او را صادر کرد. شاه که از سال ها پیش در آرزوی تقاضای «عفو» این مخالف سرسخت خود می سوخت، برای آخرین بار آزموده را به سراغ او فرستاد: زندگی به بهای خیانت! روزبه با جسارت پاسخ رد داد و آزموده را دست خالی روانه کرد. ساعت چهار روز ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷، در زندان به سراغ او رفتند. آماده بود. وصیت نامه کوتاهی خطاب به رفقا و دوستان خود نوشت. او را حرکت دادند. ماه ها شکنجه سخت سبب شده بود که او به کمک عصا راه می رفت. رفیق قهرمان روزبه، با غرور و افتخار و با جسارت چشم در چشم دژخیمان خود: آزموده، بختیار، مبصر، زیبایی، امجدی و رجایی انداخت: من از مرگ نمی ترسم. سرهنگ بارنشتسته محمد خبیری که شاهد لحظه اعدام خسرو روزبه بود. این لحظات را چنین توصیف کرده است: به سربازان جوخه اعدام سلام کرد و گفت: من می دانم شما مقصر نیستید. شما سربازان به منظور انجام وظیفه و همان اطاعت کور کورانه در اینجا گرد آمده اید تا وطن پرستی مثل من را تیرباران کنید. بر شما خرده نباید گرفت... می خواستند چشمانش را ببندند. خسرو مانع شد و با صدای رسا گفت: جوخه گوش به فرمان من! سرهنگ جاوید خواست این صدا را محو کند ولی نتوانست. روزبه با صدای رسا فریاد کشید: مرگ بر شاه خائن! زنده باد حزب توده ایران! در همین هنگام گلوله های جوخه اعدام قلب پر شورش را درهم درید و صدای قهرمانی از تبار آرش برای همیشه در میهن ما خاموش شد.

در پی شهادت رفیق روزبه، حزب توده ایران روز شهادت او را روز همبستگی با زندانیان سیاسی میهن اعلام کرد . و از آن هنگام تاکنون این روز را به عنوان روز تجدید عهد با مبارزات قهرمانان خاموش خلق و زندانیان سیاسی همه ساله گرامی داشته است. باشد تا حماسه این انقلابی و قهرمان نهضت رهایی بخش خلق های میهن ما نمونه ای الهام بخش برای پایداری و دلاوری مبارزان راه آزادی و انگیزه ای برای اتحاد همه نیروهای راستینی باشد که برضد استبداد و اختناق و در راه صلح، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

آقای خاتمی! افسوس

بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان به مناسبت سالروز دوم خرداد

به مناسبت سالگرد دوم خرداد بیانیه های گوناگونی از سوی تشکل ها سیاسی و صنفی گوناگون انتشار یافته است که بیانگر درک روشن تشکل ها و نیروهای اجتماعی از روند حوادث کشور است.

در میان بیانیه های منتشر شده در این زمینه اعلامیه انجمن دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف حاوی نکات جالبی است. در این اعلامیه از جمله آمده است:

«۶ سال از واقعه دوم خرداد می گذرد، واقعتی های که بسیاری حماسه اش خواندند. هر گاه این کلمه را می شنویم یاد حماسه سربازی شاهنامه می افیم که روح قومی مردمی آزاد را به تصویر می کشد، قومی که اسیر بند ضحاک نشد و درفش کاویانی اش آغازگر حرکت اوبه سوی آزادی ست رو به سوی دادگری فریدونی . حماسه آفرینی کردند تا قهرمانی بیافرینند به امید رهایی نه در قصه بلکه در واقعیت. قهرمان ساخته این قوم قبل از آمدن چوگان هر رزم آوری رجزخوانی کرد و مبارز طلبید و ندای رهایی به لشکریان داد. اما روز مبارزه ... آنکه که پیشگاه حقیقت شود پدید شرمنده رهرویی که عمل بر مجاز کرد امروز ششمین شمع هم در سوگ آن حماسه خاموش شد. سرکوب خواهش های قوم ایرانی که از انقلاب مشروطه آغاز گشت، یکبار دیگر در خرداد ۷۶ نتیجه خود را نشان داد. مردمی خسته از این همه جفای قدرت نشینان تسبیح بهدست، از این همه بی عدالتی و اجحاف، از این همه فریادهای خفه شده در گلو، آمد تا شوری دیگر بیافریند و شعور اجتماعی خود را به اثبات برساند. قومی خسته از اینهمه چهره های درهم کشیده اربابان قدرت به لبخند سلامی دوباره کرد. اربابانی که گویی ایران ملک پدریشان است و ما اجاره نشینان این سرزمین. ملتی با هزار امید آمد تا از حداکثر قدرت قانونی خویش استفاده کند تا شاید روزنه ای در این دیوار سنگی قدرت ایجاد کند. چه بر سر تاریخ آمده است؟»

«ملتی که با نام جمهوری اسلامی انقلاب می کند، بعد از قریب به دو دهه شعار مردم سالاری دینی می دهد، بعد از ۲۰ سال به جای اول رسیده است. خاتمی آمد با دعای خیر و بدرقه و شادی و امید تا در کاخ قدرت متفاوت از بقیه باشد و حرف دل این نسل داغ کشیده باز گوید. ملتی به نظاره نشست تا شاید دیگر شاهد قتل فرزندان خویش نباشد. آمد تا شاید سعیدی سیرجانی، لاله اسکندری، داریوش فروهر، محمد پوینده و ... بتوانند در فضایی آزاد زندگی کنند، تا شاید سخن دوباره جرأت جاری شدن بر زبان را پیدا کند.

ادامه در صفحه ۲

ایجاد اشتغال و تامین امنیت شغلی زحمتمکشان چگونه و با چه برنامه‌یی؟

در سال گذشته، وزارت کار و امور اجتماعی رسماً اعلام کرد، مقررات نوین میان کارگر و کارفرما در قالب آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار پس از تصویب در هیات وزیران به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. براساس این مصوبه کارگران و کارکنان شاغل در کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار خارج می‌شوند و هیچ‌گونه حمایت قانونی موثر در مورد سرنوشت و زندگی آنها وجود نخواهد داشت. آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار و لوایح نظیر آن، بخش‌هایی از سیاست کلی رژیم هستند، که محور و پایه برنامه سوم توسعه را تشکیل می‌دهند. در باره همین طرح حذف کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، لازم است یادآور گردیم، در برنامه سوم توسعه، که اینک عوام فریبانه راه نجات کشور معرفی و تبلیغ می‌شود، تبصره بی در ماده ۴ آن وجود دارد، که در آن تصریح شده، دولت مکلف به تغییر و اصلاح قانون کار است. درست بر پایه تبصره فوق، از مدتی پیش گروهی مامور تدوین برنامه اصلاح قانون کار شده بودند و طرح‌ها و لوایح کنونی از جمله آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار ثمره و حاصل کار آنان قلمداد می‌شود. از جمله موادی که پیشنهاد اصلاح آن داده شده بود و در حال اجراست؛ ماده ۱۴۸ قانون کار فعلی است، که کارفرمایان را موظف به پرداخت حق بیمه کارگران می‌کند و برای کوتاهی آنان مجازات‌هایی را منظور داشته است. همین اصلاحیه یعنی تغییر و حذف ماده ۱۴۸ قانون کار به نحوی کاملاً آشکار در بودجه کل کشور برای سال ۱۳۸۲ خورشیدی (سال کنونی) بازتاب دارد. محمد خاتمی هنگام دفاع از لایحه بودجه سال ۸۲ در مجلس در تاریخ اواخر آذر ماه سال گذشته، در این خصوص چنین گفته بود: «... بخش تامین اجتماعی و بهزیستی، در این بخش برای سال ۱۳۸۲ در موارد مهم ذیل تامین اعتبار شده است، کمک به گسترش اشتغال از طریق معافیت حق بیمه کارفرمایی کارگاه‌ها...». به این ترتیب، برنامه سوم توسعه را چارچوبی مناسب و عملی برای حل مشکلات و تامین حقوق اقتصادی-اجتماعی معرفی کردن، چه نامی می‌تواند داشته باشد؟! علاوه بر این، خصوصی سازی به عنوان تامین امنیت کارو کارگر که موجب ثبات در جامعه می‌شود، این روزها به شدت تبلیغ می‌گردد. واقعیت‌ها خلاف این تبلیغات است؛ رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار در گفتگویی با صراحت اعتراف کرده است، که: علت اصلی پدید آمدن اعتراضات کارگری سیاست خصوصی سازی دولت است... دولت در یک مدت زمانی هفت ساله ۱ میلیون و ۸۴۰ هزار کارگر شاغل را بیکار کرده و از طرفی ۱۳۶ هزار کارگر مزد مکفی خود را به موقع دریافت نمی‌کنند. اکنون با اجرای برنامه سوم توسعه و انحلال سازمان صنایع ملی ایران، شرکتی به نام موسسه آتیه دماوند، طرح نوین تعدیل نیروی انسانی را در ابعادی فوق العاده گسترده، به مورد اجرا گذاشته است؛ این موسسه ظرف شش ماه، ۱۸ هزار و ۸۰۰ کارگر را از کار اخراج نموده و طرح آن برای سود آوردن کارخانه کاهش ضربتی نیروی انسانی به اصطلاح مازاد است! آیا انحلال سازمان صنایع ملی و واگذاری واحدهای مختلف آن به بخش خصوصی را که نتیجه آن تعدیل نیروی انسانی وسیع است، می‌توان راه حل منطقی که برای کارگران امنیت شغلی به دنبال می‌آورد قلمداد کرده، از آن دفاع کرد؟! ایجاد اشتغال و تامین امنیت شغلی زحمتمکشان در چارچوب سمت گیری اقتصادی-اجتماعی کنونی رژیم ولایت فقیه امکان پذیر نیست. تجربه اجرای برنامه‌های اقتصادی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که از دوران ریاست جمهوری رفسنجانی آغاز شد، نشان می‌دهد، این برنامه‌ها در مغایرت کامل با رشد و شکوفایی اقتصادی، تامین اجتماعی و تحکیم پایه‌های اقتصادی ملی بسود استقلال و پیشرفت قرار دارد. از این رو، راه برون رفت از بحران فعلی، نه پافشاری بر برنامه‌های شکست خورده، بلکه انتخاب یک سمت گیری اقتصادی-اجتماعی مترقی در چارچوب تامین منافع اکثریت مطلق مردم یعنی طبقات زحمتمکش و میانه حال جامعه است!

به گزارش رسانه‌های همگانی، در اواسط اردیبهشت ماه شورای عالی اشتغال با حضور علی خامنه‌ای، ولی فقیه به منظور ارایه راهکاری عملی برای ایجاد اشتغال در کشور و مبارزه با پدیده بیکاری تشکیل جلسه داد. محمد خاتمی، رئیس جمهور در جلسه مذکور یادآور گردید؛ در سال ۱۳۸۱ در مجموع حدود ۶۹۰ هزار شغل در کشور ایجاد شد. وی همچنین گفت: «برای تحقق اهداف پیش بینی شده در پایان برنامه سوم توسعه، در سال جاری و سال آینده باید هر سال ۹۰۴ هزار شغل ایجاد شود...» در همین نشست، خامنه‌ای نیز سخنانی ایراد کرد، و از جمله خاطر نشان ساخت، ایجاد اشتغال از اهداف کلانی است که باید بطور جدی پیگیری شود؛ وی بر لزوم اجرای سریع خصوصی سازی تاکید کرد، برنامه توسعه را برای حل مسایل اقتصادی-اجتماعی ایران مفید و ثمر بخش نامید و به این ترتیب بار دیگر بر سمت گیری اقتصادی-اجتماعی کنونی رژیم ولایت فقیه مٔهر تایید نهاد.

در جلسه شورای عالی اشتغال وزرای اقتصاد و دارایی، بازرگانی، کار و امور اجتماعی و رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی با ارایه گزارش‌هایی، بر عزم دولت برای تامین امنیت سرمایه و خصوصی سازی به عنوان راه حل مشکلات موجود تاکید کرده و خواستار تسریع در این امور شدند. به دنبال اجلاس شورای عالی اشتغال، مراسم معرفی و تجلیل از کارگران نمونه با شرکت رئیس جمهور رژیم برگزار شد؛ در این مراسم که دبیر کل خانه کارگر، ابولقاسم سرحدی زاده رئیس کمیسیون امور اجتماعی مجلس و فاطمه کروبوی معاون فرهنگی-اجتماعی وزیر کار شرکت داشتند. محمد خاتمی از جمله تصریح کرد: «کارگر، کارفرما و دولت به عنوان ناظر بر روابط کار باید سه پایه اصلی کار در مسیر پیشرفت جامعه و تامین توازن و تعادل باشد، باید سه پایه یاد شده (سه جانبه گرایی) با تعامل و تفاهم با یکدیگر در مسیر پیشرفت گام بردارند و در غیر این صورت... کار... می‌تواند به تنش منجر شود...» خاتمی راه حل تغییر وضعیت فاجعه بار زندگی زحمتمکشان را، اصلاح امور اقتصادی دانست و همچون دیگر مقامات رژیم ولایت فقیه، تامین امنیت سرمایه اصلاح ساختار اقتصادی و خصوصی سازی را در چارچوب یک فضای مناسب مورد تاکید و پافشاری قرار داد. او یادآور گردید که: «حل مشکلات کشور در گرو... جذب امکانات و سرمایه‌ها، فراهم کردن زمینه فعالیت بیشتر بخش خصوصی و تامین امنیت کار و کارگران است.»

اینگونه تبلیغات و معرفی نسخه‌های دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول، به عنوان راه حل، نخستین بار نیست که توسط مسئولان رژیم مطرح می‌شود و قطعاً آخرین بار نیز نخواهد بود. آنچه طی حداقل ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته، موجب تخریب بنیه تولید کشور و رواج اقتصاد دلالی و به موازات آن سقوط سطح زندگی و پایمال شدن امنیت شغلی میلیون‌ها تن از زحمتمکشان فکری و یدی میهن ما بوده، اتفاقاً اجرای برنامه‌هایی است، که اکنون خامنه‌ای، رفسنجانی و دیگران و به همراه آنان خاتمی می‌لغ و مدافع آن هستند: یعنی سیاست خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه! مگر تاکنون بر اساس مفاد برنامه سوم توسعه نبوده است، که صدها هزار کارگر و کارمند و به ویژه زحمتمکشان شاغل در بخش تولیدی-صنعتی مشمول تعدیل نیروی انسانی شده‌اند.

ادامه گزارش هایی درباره تشدید ...

یونایتد پرس براساس نتایج یک نظرسنجی، شمار زیادی از مردم آمریکا، یعنی ۷۱ درصد از پاسخ دهندگان معتقدند که ایران حامی تروریسم است! بر همین اساس ایران در صدر لیست حامیان تروریسم قرار گرفته است. مسأله حساس دیگر گزارش آژانس بین المللی فعالیت های هسته ای در زمینه دستیابی ایران به دانش هسته ای است. ناظران سیاسی معتقدند که در صورت گزارش منفی در مورد فعالیت های ایران این مسأله می تواند مقدمه ای باشد که فعالیت های هسته ای ایران در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل قرار گیرد. از اخبار جالب توجه دیگر در زمینه برخورد رژیم با تشدید فشارهای بین المللی نظر یکی از مدیران «اکنون میست» است که پیش بینی کرد «احتمال زیادی» برای بهبود روابط ایران و آمریکا وجود دارد.

«بنفاکس» در گفت و گویی با یک رادیو فارسی زبان توضیح داد: «واقعیت این است که اکنون آمریکا در عراق است و به کمک ایران برای ایجاد ثبات در عراق پس از جنگ احتیاج دارد. متقابلاً برای ایران نیز حضور آمریکا در همسایگی اش می تواند به نفع کسانی شود که همواره خواهان برقراری گفت و گو با ایالات متحده بودند. در نتیجه ضرورت های عملی موجود، ممکن است باعث بهبود روابط میان آمریکا و ایران شود.»

وی در تحلیل مواضع شخصیت ها و گروه های مختلف سیاسی ایران در بهبود روابط گفت: «در گذشته رئیس جمهور خاتمی کوشیده بود باب رابطه با آمریکا را باز کند. اما با وجود این که در ابتدا موفقیت هایی به دست آورد، به نتایجی که می خواست، نرسید. اکنون به نظر می رسد که راه مستقیم ارتباط بین برخی از اعضای دولت آمریکا و عوامل احتمالاً نزدیک به رفسنجانی گشوده شده است. او فرد قدرتمندی در سیاست ایران است و برخوردی پراگماتیک یا عملی با مسائل دارد. از این رو، امید آن می رود که با توجه به این دو خصوصیت او تلاش برای رابطه بین ایران و آمریکا به نتیجه برسد.» وی در عین حال با اشاره به حضور رفسنجانی در بخش غیر انتخابی حاکمیت گفت که «مذاکرات وابستگان او با طرف آمریکایی پشت درهای بسته صورت می گیرد. به این امید که این مذاکرات در آینده نتیجه دهد.»

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در ششمین کنگره حزب کمونیست دانمارک

کارکنگره با نمایندگان و هیاتهای نمایندگی احزاب کمونیستی و کارگری از جمله حزب مترقی زحمتکشان قبرس (آکل)، حزب کمونیست کوبا، حزب کمونیست ویتنام، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست چک و مورواوی، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست سوئد، حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست و کارگری فنلاند دیدار کرده، به بحث و تبادل نظر پرداخت و مواضع حزب توده ایران را در ارتباط با مسایل ایران، منطقه و جهان برای آنها تشریح کرد.

حضور نماینده حزب در کنگره مذکور با استقبال گرم کمونیست های دانمارکی روبه رو شد. ششمین کنگره حزب کمونیست دانمارک در روز ۲۸ اردیبهشت ماه (۱۸ ماه مه) با انتخاب مجدد رفیق بتی فرونتز بیارگ کارسون به سمت صدر حزب با موفقیت به کار خود پایان داد.

ششمین کنگره حزب کمونیست دانمارک، در روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ماه (۱۶، ۱۷، ۱۸ ماه مه) در کپنهاگ برگزار گردید. مباحث این کنگره عبارت بودند از: تجهیز و سازمان دهی طبقه کارگر، مبارزه بر ضد تدوین قانون اساسی اتحادیه اروپا، مبارزه با نظامی گری امپریالیسم و سازماندهی پیکار مردمی بر ضد دولت دست راستی دانمارک. همچنین موضوع گسترش همکاری و روابط نزدیک میان احزاب کمونیست و چپ از نکات گهری و مهم کنگره بود. طی سه روز نمایندگان سازمان های حزبی از سراسر این کشور پیرامون این مباحث به بحث و گفتگو پرداخته و رئوس برنامه و اساسنامه و سیاست های حزب را به تصویب رسانند.

نماینده حزب توده ایران، بنا به دعوت رسمی حزب برادر، از جمله میهمانان خارجی بود، که پیام کمیته مرکزی حزب را به کنگره ارایه کرد. نماینده حزب در جریان

ادامه قانونی شدن اشغال عراق ...

در این میان ایالات متحده تلاش می کند تا با استفاده از موقعیت پیش آمده، برنامه های خود را برای سیاست های سلطه طلبانه اش به مرحله اجرا در آورد. پس از حمله به عراق و پیش از آن به دلیل سیاست های جانبدارانه آمریکا در مورد مسئله فلسطین و دفاع بی چون و چرا از اسرائیل، از سویی جو ضد آمریکایی در منطقه رو به افزایش گذاشته است و از سویی دیگر، با اشغال نظامی عراق، شرایط متفاوتی برای نیروهای نظامی آمریکا بوجود آمده است که نیاز به تغییرات جدی در جا به جایی این نیروها دیده می شود. آمریکا ضمن هشدار به عربستان، اعلام کرد که در صورت لزوم، خود مستقیماً تصمیمات ضروری برای پایان بخشیدن به وضعیت فعلی را اتخاذ خواهد کرد. سخنگوی کاخ سفید، «آریل فلیشر»، گفت که بسته شدن سفارت و کنسولگری «یک کار احتیاطی» است و اضافه کرد که «مانگران وضعیت امنیتی در آنجا هستیم و ما در صورت لزوم قدم های صحیح و لازم و منطقی را برای حفاظت آمریکایی ها بر خواهیم داشت.» (نیویورک تایمز ۲۱ ماه مه ۲۰۰۳)

همچنین ایالات متحده سه هفته پیش از

این واقعه، اعلام کرده بود که با پایان یافتن درگیری های عراق، بیش از ۴ هزار نفر از نیروهای مسلح آمریکایی که پس از جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ در پایگاه های عربستان مستقر شده بودند، خاک این کشور را به قصد استقرار در پایگاه های قطر، ترک خواهند کرد. (واشنگتن پست ۲۲ ماه مه ۲۰۰۳)

در شرایط پس از اشغال عراق، ایالات متحده در تدارک ایجاد پایگاه های جدید و ثابت در خاک عراق است که از نظر نظامی، آمریکا را در شرایط بهتری قرار می دهد. ایجاد این پایگاه ها به ویژه در همسایگی ایران و سوریه، می تواند در برگیرنده تهدیدی دائمی و جدی بر هردو کشور باشد. همچنان که پس از پایان عملیات نظامی در عراق، سوریه مورد تهدید جدی از سوی آمریکا قرار گرفت و در رابطه با بمب گذاری در عربستان نیز، آمریکا اعلام کرد که «بخش کوچکی از هسته های القاعده در ایران مسئول این بمب گذاری هستند.» (نیویورک تایمز ۲۱ ماه مه ۲۰۰۳)

این سناریو در ادامه منطقی طرح استراتژیک ایالات متحده تلاش برای این منطقه جهان است: ایجاد پایگاه های ثابت و استقرار نیروهای نظامی برای مدت طولانی در مرز کشورهایی که بر ضد سیاست های آمریکا هستند و یا از آن «اطاعت» نمی کنند. طرحی که از طریق آن بتواند تغییرات سیاسی و در صورت لزوم جغرافیایی را برای پیشبرد اهداف خود در راه بدست گرفتن سرکردگی جهانی، ایجاد کرد.

ادامه دوم خرداد ۱۳۷۶، فرصت تاریخی ...

گزارش هایی درباره تشدید فشار دولت آمریکا و مسأله «تغییر رژیم»

روزنامه انگلیسی زبان گاردین گزارش داد که در پی انتشار خبرهایی مبنی بر حضور اعضای القاعده در ایران، وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) پیشنهاد کرده است که سیاست تغییر رژیم در ایران پیگیری شود. شبکه خبری سی، ان، ان آمریکا اعلام کرد، ایران در روزهای اخیر شمار زیادی از اعضای گروه تروریستی القاعده را دستگیر کرده است که فرمانده نظامی جدید القاعده نیز در میان آنان است. به گزارش خبرگزاری کار ایران، از برلین، شبکه تلویزیونی سی، ان، ان به نقل از اخضر ابراهیمی نماینده ویژه سازمان ملل در امور افغانستان از بازداشت فرمانده نظامی جدید القاعده به همراه شمار دیگری از اعضای این گروه در ایران خبر داد. ابراهیمی در دیدار خود با نمایندگان ایران در ژنو در چارچوب اجلاس گروه ۲+۶ از این موضوع با خبر شده است. سرویسهای اطلاعاتی آمریکا بر این باور هستند که سیف العادل مرد شماره سه القاعده و فرمانده نظامی جدید این گروه تروریستی نیز در میان بازداشت شدگان در ایران است. آمریکایی ها سیف العادل را طراح اصلی حملات تروریستی اخیر در ریاض می دانند. آمریکا از ایران خواسته بود، به اعضای القاعده پناه ندهد. در فوریه سال گذشته نیز ایران از بازداشت صد و پنجاه تن از اعضای القاعده در این کشور خبر داده بود. لازم به تذکر است که در روزهای اخیر دونالد رامسفلد، طی سخنانی اعلام کرده بود که آمریکا روند مذاکرات غیر رسمی با جمهوری اسلامی، در ژنو را، به دلیل حضور نیروهای تروریستی در ایران قطع کرده و دولت آمریکا مصمم است تا به فشارهای خود بر رژیم جمهوری اسلامی به منظور تغییر سیاست های حکومت ایران ادامه دهد. همچنین بر اساس گزارش خبرگزاری

سیاست های روشن و قاطع ضروری بود، سکوت و تسلیم پیشه شد و امکانات تاریخی مهمی از دست رفت. از جمله این نمونه های مهم می توان به قتل های زنجیره یی فروهرها، مختاری و پوینده توسط دژخیمان رژیم و سرانجام این پرونده ها، یورش خونین گزمگان ولی فقیه به جنبش دانشجویی و سرکوب خونین ۱۸ تیرماه، بستن فله یی ده ها نشریه به دستور مستقیم ولی فقیه، حکم حکومتی خامنه ای و به توپ بستن مجلس شورای اسلامی و منع آن از بررسی قانون مطبوعات، و دستگیری ده ها تن از شخصیت های اجتماعی، ملی و مذهبی کشور در آستانه انتخابات خرداد ۱۳۸۰، اشاره کرد. متأسفانه آنچه که باعث نگرانی بیشتر است درس نگرفتن از این تجربیات است. بیانیه خاتمی به مناسبت دوم خرداد ۱۳۷۶، بدون هیچ نشانی از درک این واقعیات و تجربه آموزی از شش سال گذشته همچنان بر همان سیاست های گذشته و ادامه آنها تأکید می کند. در بیانیه خاتمی، که توسط خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، منتشر شده است، ضمن تأکید مجدد بر حفظ «نظام»، از جمله می خوانیم: «واقعیت آن است که امروز در فضای دیگری به سر می بریم و به دلایل طبیعی و غیرطبیعی از آن شور و اشتیاق نخستین که در درون و بیرون به وجود آمده بود، کاسته شده است، بخشی از این کاهش به سبب وجود فاصله ها بوده است که همواره میان آرمان ها و واقعیت ها وجود دارد و در کشور ما به دلیل انباشته شدن مطالبات تاریخی و محدودیت منابع تأمین آنها، بیشتر و زودتر بروز پیدا می کند. به خصوص که جامعه ما جامعه ای است جوان که طی یک ربع قرن ترکیب جمعیتی آن کاملاً به نفع نیروی جوان تغییر یافته است، بخش دیگری از این تغییر نیز متأثر از موانع، سنگ اندازی ها و نیز اشتباهات و کم تجربگی ها در استقرار مردمسالاری، آن هم از نوع بدیع آن، یعنی مردمسالاری دینی بوده است، در این راه ممکن است مردم شریف ما از مسوولان و افراد به خاطر توقعات برنیامده و انتظارات تحقق نیافته به حق، گله مند و منتقد باشند. اما هرچشم ناظر و واقعبینی می بیند که حکومت پایدار ملت به سوی بهروزی و اعتلای کشور و اصلاح امور لحظه ای متوقف نشده و نخواهد شد... ما اکنون نیز با تکیه بر همان عهد و عزم ایستاده ایم و کوشیده ایم با همه مشکلات و موانع، جهت راه را گم نکنیم و نکرده ایم. بخشی از مشکلاتی که در مسیر بوده است به مسوولان برمی گردد، باید اعتراف کنیم که کاستی و نقص داشته و داریم. من به سهم خود اگر قصوری در کار داشته ام، که دارم در درجه اول از حضرت پروردگار و بعد از ملت ایران انتظار گذشت و عفو دارم... من بر اساس عهد خویش همچنان مصرانه پیگیر خواسته هایی هستم که در برنامه ها و مواضع خود به آنها وعده داده ام، اینک برای پیش برد آنها بیش از گذشته بر تفاهم، وحدت ملی و تأکید بر حفظ هویت دوم خرداد، آنگونه که شرح کردم و پیگیری آرمان های آن اصرار دارم و این راه را راهی به سوی سرفرازی ایران و اسلام و حفظ سرمایه های معنوی و مادی کشور و مایوس شدن دشمنان می دانم، و این راهی است که به اعتبار تجربه، آگاهی و عزم ملت، بن بست و توقف ندارد؛ بکوشیم که با گامهای استوار آن را بیماییم.» آقای خاتمی در این سخنان کلی و مبهم نه روشن می کند که مشکل اساسی که موجب بن بست روند اصلاحات بوده است، چیست و نه این که این مشکل را چگونه می توان برطرف کرد. این بیانیه در حالی داده می شود که ۱۲۷ نماینده مجلس با جسارت بیشتری می گویند: «فرصت چندانی باقی نمانده است. غالب ملت ناراضی و نا امید، اکثریت نخبگان ساکت یا مهاجر، سرمایه های مادی گریزان و نیروهای خارجی از هر طرف کشور را احاطه کرده اند برای آینده کشور دو حالت بیش متصور نیست؛ یا دیکتاتوری و استبداد و یا بازگشت به اصول قانون اساسی و تمکین صادقانه به قواعد دموکراتیک آنچه مانع عملی شدن تهدیدات خارجی می شود، نه توپ و تانک و موشک و سلاح بلکه افزایش مشروعیت نظام، وحدت ملی و یگانگی حکومت و ملت است...» دوم خرداد ۱۳۷۶، خیزش تاریخی مردم میهن ما بر ضد رژیم استبدادی حاکم بود. این خیزش تاریخی و جنبش مردمی که آفریننده آن بود بررغم همه فراز و نشیب ها، بررغم دلسردی ها و افت و خیزها، همچنان پاینده به آرمان های والای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی به پیکار خود ادامه می دهد. خاتمی و یاران او در صورت اعتماد به مردم و بسیج نیروی عظیم به صحنه آمده می توانستند زمینه ساز تحولات مهمی در میهن ما گردند، این فرصت تاریخی از دست رفت. این نظریه آقای خاتمی درست است که امروز جامعه ما در شرایط متفاوتی از دوم خرداد ۱۳۷۶ قرار دارد. شرایط امروزی میهن ما بن بست روند اصلاحات، تشدید تهدیدات خارجی و گسترش تهاجمات ارتجاع برای یک طرفه کردن کار روند اصلاحات حکومتی است. در چنین وضعیتی بی شک ادامه سیاست های تجربه شده و شکست خورده گذشته ثمری جز تأمین خواست ها و برنامه های تاریک اندیشان حاکم به همراه نخواهد داشت. امروز بخش های مهمی از نیروهای سیاسی - اجتماعی جامعه ما به درستی به این نتیجه مهم رسیده اند که باید خود را از حصارهای حکومتی و مرزهای «خودی و غیر خودی» رها کنند و متحد و همگام جبهه وسیعی را برای مقابله با استبداد حاکم و دست یابی به دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی تدارک ببینند. تجربه دوم خرداد ۱۳۷۶، در واقع شکست نظریه اصلاح پذیری رژیم ولایت فقیه و تلاش در راه حفظ «نظامی» بود که با خواست ها و آرمان های مردم تضادی آشفتنی ناپذیر دارد. تنها با درک این واقعیت مهم و تاریخی است که می توان زمینه گام های بعدی را در راه تحقق اصلاحات پایدار، دموکراتیک و بنیادین تدارک دید.

ادامه در صفحه ۵

ادامه نقشه راه صلح، گامی در جهت استقرار ...

کارزار آمریکا برای جا انداختن طرح «نقشه راه» را باید فشار همه جانبه این کشور، به نیابت از سوی اسرائیل، برای محدود کردن نفوذ و اتوریته یاسر عرفات در آینده سیستم تصمیم گیری سیاسی در فلسطین و به جای آن جا انداختن آن محافلی که حاضر باشند در مقابل منافع آمریکا مطیعانه عمل نمایند، قلمداد کرد. رهبران ایالات متحده آشکارا برای به حداقل رساندن نقش و نفوذ یاسر عرفات در روند اجرای طرح صلح و آینده مذاکرات فعالیت می کرده اند. در یکساله اخیر ایالات متحده با تکرار اتهامات از سوی اسرائیل دال بر دست داشتن یاسر عرفات در ایجاد و گسترش جو خشونت و تروریسم و خودداری از مذاکره با رئیس جمهور منتخب مردم فلسطین عملاً روند تغییر سیستم سیاسی این کشور را سازمان داده است. کالین پاول در بازدید خود از اسرائیل و فلسطین در روزهای ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت از ملاقات با عرفات خودداری کرد. دولت خودمختار فلسطینی تحت این فشار همه جانبه که در یک ساله اخیر بصورت های مستقیم و غیر مستقیم و از جمله حمله نظامی و اشغال شهر های فلسطینی از جمله به ساختمان ریاست جمهوری در رام اله، محصور کردن یاسر عرفات در محل اقامت او و ممانعت از مسافرت ها و ملاقات های رسمی او اعمال گردیده است، مجبور به گردن نهادن به سیستمی شد که در آن نقش اصلی اجرائی از رئیس جمهور منتخب به نخست وزیر منتقل می شود. این حقیقتی است که انتخاب محمود عباس، مشهور به ابو مازن، که از چهره های راستگرا و طرفدار غرب جنبش فلسطین می باشد، به نخست وزیری تحت همین فشارها تسهیل شد. ابو مازن در سخنرانی رای اعتماد به کابینه خود در شورای قانون گذاری فلسطین در روز ۹ اردیبهشت تعهد خود به خلع سلاح نیروهای رادیکال فلسطینی، غیر قانونی کردن آنچه که او آن را «فساد» خواند و ادامه «رفورم» در ساختارهای دولت خودمختار (در چارچوب خواست های آمریکا) را مورد اشاره قرار داد و تضمین کرد که به تعهدات فلسطین در قبال «نقشه راه» صلح خاورمیانه جامه عمل بپوشاند. محمود عباس در سخنرانی خود به اسرائیل اخطار کرده است که از ایراد فشار برای تغییر طرح پیشنهادی گروه چهارگانه بپرهیزد و گفت: «نقشه راه باید به مرحله اجرا گذاشته شود و نه اینکه موضوع مذاکره قرار بگیرد.» ما ده سال قبل با تحلیل مشخص کمیوهای «موافقتنامه اسلو» آن را به مثابه «بگ گام به پیش و دو گام به پس» ارزیابی کردیم و نسبت به خطرات ناشی از مسکوت گذاشتن خواسته های برحق و کلیدی مردم فلسطین و از جمله ایجاد کشور مستقل فلسطینی، اجرای تمامی قطعنامه های سازمان ملل در رابطه با فلسطین و عقب نشینی اسرائیل به مرزهای پیش از ۱۹۶۷ اظهار نگرانی کردیم. حزب توده ایران همزمان با محکوم نمودن غیر مشروط اقدامات تروریستی کوری که عملاً دست نیروهای اسرائیلی را برای ادامه سیاست سرکوب باز می کند، معتقد است که قطع خونریزی در خاورمیانه در گرو تصریح حقوق مردم فلسطین و اجرای مفاد اصلی قطعنامه های سازمان ملل در رابطه با این حقوق و برقراری صلح در این منطقه است.

«قانونی شدن» اشغال عراق!

نیروهای ضد جنگ را ثابت می کند که در آن هدف از این تجاوز و اشغال نظامی را، دست یابی به منابع نفتی عراق و گستردن سرکردگی جهانی ارزیابی کرده اند. تلاش برای دست یابی به این اهداف را به خوبی می توان در تحولات اخیر منطقه و به ویژه در کشورهای خاورمیانه و عربی مشاهده کرد. پس از چندین بمب گذاری در کشورهای منطقه و از جمله در عربستان، ضمن انتقادات علنی و کم سابقه آمریکا در رابطه با عدم همکاری عربستان با ایالات متحده در مورد مبارزه با «تروریسم» و با اعلام اینکه خطر جان آمریکایی ها را در عربستان تهدید می کند، ایالات متحده و انگلستان با تعطیل موقت مراکز نمایندگی خود به بهانه تهدید تروریسم، نوعی فشار دیپلماتیک به عربستان سعودی را تشدید کردند.

سازمان ملل متحد سرانجام با قبول قطعنامه پیشنهادی از سوی آمریکا در مورد برداشتن تحریم اقتصادی از عراق و قبول پیشنهاد جورج بوش برای کنترل این کشور و منابع نفتی آن و اجازه فروش آن برای جبران خسارات جنگی، بر حضور نیروهای متجاوز آمریکایی - انگلیسی در عراق مهر تایید زد و آن را در عمل «قانونی» اعلام کرد. در واقع با تصویب این قطعنامه، سازمان ملل متحد این «حقانیت» را به دو نیروی متجاوز و اشغالگر می دهد تا بتوانند به عنوان «اولیای امور»، عراق و فروش نفت آن را در اختیار بگیرند. این قطعنامه عملاً سرپوشی بر اهداف واقعی امپریالیسم است. ماهیت این قطعنامه ارزیابی

پاول از کشورهای منطقه در ده روز گذشته را باید شروع دور تازه این فعالیت ها قلمداد کرد.

بر طبق اطلاعات منتشر شده طرح «نقشه راه» در بر دارنده سه فاز و مرحله می باشد. در فاز اول آن که تا ابتدای ژوئن ۲۰۰۳ ادامه خواهد داشت، قرار است که به خشونت به صورت نامشروط از دوطرف خاتمه داده شود، قانون اساسی جدید فلسطین تدوین و تصویب شود و انتخابات جدید شورای قانونگذاری برگزار شود. در این فاز اسرائیل باید فعالیت های توسعه شهرک های یهودی نشین را کاملاً متوقف کند. در فاز دوم که از ژوئن تا دسامبر ۲۰۰۳ ادامه خواهد داشت بدنیاال انتخابات فلسطین، یک کنفرانس بین المللی در رابطه با «ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی با مرزهای موقت در سال ۲۰۰۳» برگزار خواهد شد. در فاز سوم که تا سال ۲۰۰۵ ادامه می یابد در بر دارنده «تحکیم روند رفورم، ایجاد ساختارهای فلسطینی و عملکرد مداوم و موثر ساختارهای امنیتی فلسطینی» و «مذاکرات اسرائیل و فلسطین با هدف حصول موافقتنامه در رابطه با وضعیت نهایی در ۲۰۰۵» شامل عادی شدن روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی، است.

تونی بلر، نخست وزیر انگلستان، در اظهار نظری مبنی بر حمایت این کشور از طرح بوش مدعی شد که «نقشه راه» شامل فازهای روشن زمانبندی شده و مشخص است و «تعهدات روشن و عادلانه ای را از هر دو طرف در بر دارد». البته نخست وزیر انگلستان اشاره ای به این حقیقت نکرد که چرا مرحله نهایی و تعیین کننده «نقشه راه» به صورت مصنوعی و غیر ضروری به سال ۲۰۰۵ یعنی به بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا محول شده است. اگر «نقشه راه» «تعهدات روشن» ی را در بر دارد این تعهداتی است که طرف فلسطینی در هر فاز آن باید برای دست شستن از خواسته های اصولی و پایه ای خود و گردن نهادن به آنچه از تل آویو و واشنگتن دیکته می کنند، بدهد.

طرح «نقشه راه» در حالی که راه حل مبتنی بر دو کشور را در شکل قبول می کند از تعیین نوع و محدوده دو کشور خودداری می کند. مهمترین سؤال اینست که کشور جدید فلسطینی در کجا و چگونه ایجاد خواهد شد. اگر هیچ نظر مشخصی در رابطه با مرزهای چنین کشوری وجود نداشته باشد، چگونه چنین کشوری را می توان واقعی و یا پایدار تصور کرد. در حال حاضر کرانه غربی عملاً به سه منطقه تقسیم شده و هر منطقه دارای ۶۰ تا ۷۰ ناحیه مجزا از یکدیگر می باشد که توسط شهرک های یهودی

در صفحه ۷

«نقشه راه» صلح

گامی در جهت استقرار «نظم نوین» در خاورمیانه

طرح «نقشه راه» صلح خاورمیانه، که به پیشنهاد ایالات متحده و با همکاری سازمان ملل، اتحادیه اروپا و روسیه با این کشور (موسوم به گروه چهارگانه) طراحی شده است، در روز ۱۰ اردیبهشت ماه به طور همزمان به آریل شارون، نخست وزیر اسرائیل، و محمود عباس که روز قبل از آن به سمت اولین نخست وزیر دولت خودگردان فلسطینی انتخاب شده بود، تسلیم شد. ارائه «نقشه راه» که به دنبال طرح های ناموفق گزارش میچل و ابتکار آتش بس جورج تنت (رئیس سازمان سیا)، در خرداد ۱۳۸۰ برای خاتمه دادن به جنبش اعتراضی و حق خواهانه «انتفاضه» مطرح می شود را از سوی دولت جورج بوش می بایست بخشی هدفمند از نقشه استراتژیک ایالات متحده برای تغییر نقشه سیاسی خاورمیانه ارزیابی کرد.

پرزیدنت جورج بوش در رابطه با پشتیبانی خود از این طرح با اشاره به سخنرانی خود در رابطه با معرفی خطوط اصلی نقشه آمریکا برای خاورمیانه در تیرماه گذشته، متذکر شد: طرح نقشه راه معرف نقطه شروع در جهت حصول یک راه حل مبتنی بر «دو کشور» است. یک اسرائیل امن و یک فلسطین قابل دوام، صلح آمیز و دموکراتیک که من آن را در روز ۲۴ ژوئن مطرح کردم. بخش های دیگری از طرح کلی آمریکا در رابطه با خاورمیانه نظیر اشغال نظامی عراق توسط آمریکا و انگلیس، فشار برای تحمیل یک دولت سرسپرده در عراق و حفظ محورهای عمده کنترل اوضاع این کشور در دست نیروهای اشغالگر، طراحی ایجاد پایگاه های نظامی آمریکا در عراق، فشار شدید به سوریه برای دست کشیدن از حمایت نیروهای فلسطینی و دست برداشتن از مطالبات خود در رابطه با بلندی های جولان که در اشغال اسرائیل است، و انتقال پایگاه های آمریکا از عربستان سعودی در حال اجرا می باشند. این روشن است که رهبران ایالات متحده برای کنترل بازارها و منابع مواد خام موجود در خاورمیانه و امن کردن این منطقه برای عملکرد سرمایه در این منطقه استراتژیک جهان خواب های خطرناک و طولانی مدتی دیده اند. مارتین ایندیک، سفیر سابق ایالات متحده، در اسرائیل، در سخنرانی خود در سمیناری در هفته اول اردیبهشت در موسسه بروکلین، به شرایط حاضر در خاورمیانه و لزوم بهره گیری آمریکا و اسرائیل از آن اشاره کرد و گفت که سرنگونی رژیم بغداد با ایجاد «زمین لرزه» ای در خاورمیانه نه فقط مخالفان صلح نظیر سوریه، لیبی و ایران را به وحشت انداخته همچنین به نیروهای رفورمیست در خاورمیانه قوت قلب داده است. «ایندیک» اسرائیل را تشویق می کند که تشکیل یک دولت موقت فلسطینی در محدوده اکثر اراضی نوار غزه و بخشی از اراضی فلسطینی در کرانه غربی (شامل فقط ۴۰ الی ۵۵ درصد) را که منضم تخلیه برخی از شهرک های یهودی نشین است را بپذیرد. در چنین صورتی کشور موقت فلسطین، کشوری کوچک، بدون امکان دفاع مشروع از خود و کاملاً محاصره شده توسط اراضی تحت کنترل اسرائیل خواهد بود که نه تاثیری در حیات روزمره مردم فلسطین و نه در خاتمه جنگ و درگیری اعراب و اسرائیل خواهد داشت و فقط جنبه نمایشی دارد.

از هم اکنون مشخص است که ایالات متحده فعالیت دیپلماتیک گسترده یی را برای توفیق طرح «نقشه راه» که بر طبق آن گویا قرار است که تشکیل دولت مستقل فلسطینی تا سال ۲۰۰۵ قطعی شود، سازمان داده است. انجام دو بازدید جداگانه توسط کالین

کمک های مالی

دولار ۱۶۰

آرمان از آمریکا

دولار ۳۰۰

مصطفی چمنی آرش

یورو ۵۰

به یاد رفیق شهید انوشیروان ابراهیمی

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر ونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 661
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

27 May 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک